گزارش

محاکمه نتانیاهو زیر سایه بحران‌های منطقه‌ای

نبرد دادگاه و سیاست

شرق: در روزهای اخیر، دادگاه منطقه‌ای اورشلیم (قدس) دو بار درخواست بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل برای توقف دوهفته‌ای روند محاکمه فساد مالی او را رد کرد. این درخواست‌ها پس از آن مطرح شد که وکیل مدافع نتانیاهو، آمیت حداد، با اشاره به ضرورت تمرکز نخست‌وزیر بر «مسائل دیپلماتیک، ملی و امنیتی مهم» به دنبال پایان جنگ اخیر با ایران، خواستار تعویق جلسات شد. اما قاضی پرونده، ریفکا فریدمن-فلدمَن، اعلام کرد هیچ دلیل یا مدرک قابل قبولی برای لغو جلسات ارائه نشده و حتی ارائه برنامه هفتگی نتانیاهو هم نتوانست دادگاه را قانع کند. با این حال، تنها امتیاز داده‌شده به نخست‌وزیر، تأخیر شروع جلسه روز دوشنبه به ساعت ۱۱:۳۰ صبح بود. در پی این تصمیم دادگاه، واکنش‌های تند از سوی اعضای کابینه و چهره‌های سیاسی اسرائیل مطرح شد. بزالل اسموتریچ، وزیر دارایی، اقدام دادگاه را نشانه «بی‌توجهی کامل به منافع ملی» دانست و از کمبود دیدگاه و استراتژی در دستگاه قضائی انتقاد کرد. ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت ملی، نیز این تصمیم را «غیرمنطقی» خواند و بار دیگر خواستار توقف کامل محاکمه شد؛ در حالی که برخی نمایندگان حزب لیکود نیز برخورد با نخست‌وزیر را تحقیرآمیز خواندند و دستگاه قضائی را از مردم جدا دانستند.

مداخله ترامپ

هم‌زمان با این تحولات، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌شدت از روند دادگاه انتقاد کرد. او با اشاره به کمک‌های چند میلیارد دلاری واشنگتن به اسرائیل، هشدار داد که ایالات متحده «دیگر تحمل چنین رفتاری را ندارد». ترامپ ضمن دفاع صریح از نتانیاهو، مدعی شد که دادگاه نه‌تنها نخست‌وزیر اسرائیل، بلکه روند مذاکرات با حماس و ایران را مختل می‌کند و خواستار توقف این روند شد. نتانیاهو نیز در واکنشی آشکار، پست ترامپ را بازنشر و از او تشکر کرد.

دادگاه و سیر اتهامات علیه نتانیاهو

نتانیاهو از سال ۲۰۱۹ در سه پرونده فساد مالی به اتهام‌های دریافت رشوه، تقلب و سوءاستفاده از اعتماد عمومی تحت پیگرد است؛ اتهاماتی که او رد می‌کند و آنها را بخشی از یک «کودتای سیاسی» توسط پلیس و دادستانی می‌داند. این پرونده‌ها شامل:

۱. پرونده ۱۰۰۰، مربوط به دریافت هدایای گران‌قیمت از آرنون میلچن و نقض قوانین تعارض منافع؛

۲. پرونده ۲۰۰۰، درباره تلاش برای توافق با ناشر روزنامه «یدیعوت آحرونوت» به منظور پوشش رسانه‌ای مثبت در قبال تضعیف رقیب اصلی این نشریه؛

۳. و جدی‌ترین آنها، پرونده ۴۰۰۰ یا پرونده «بزِک-والا»، که در آن نتانیاهو متهم است با اتخاذ تصمیمات نظارتی، صدها میلیون شِکِل به سهام‌دار شرکت بزِک، شائول الوویچ، سود رسانده و در قبال آن، پوشش خبری مثبت از سایت والا دریافت کرده است.

دادگاه در مقابل فشارهای سیاسی

با وجود تمام فشارهای سیاسی و حتی مداخلات خارجی، دادستانی و دستگاه قضائی اسرائیل تأکید دارند که دلایل ارائه‌شده از سوی تیم دفاعی نتانیاهو برای توقف جلسات دادگاه کافی نیست و روند رسیدگی قضائی باید ادامه یابد. این در حالی است که برخی منابع اسرائیلی، تلاش‌های اخیر برای توقف محاکمه را بخشی از یک سناریوی بزرگ‌تر می‌دانند که هدف آن پایان‌دادن به جنگ غزه، آزادی گروگان‌ها و عادی‌سازی روابط منطقه‌ای است.

منابع مطلع می‌گویند هم‌زمان با فشارهای فزاینده داخلی و خارجی، بحث درباره «تحولات بزرگ» در خاورمیانه در جریان است؛ تحولاتی که می‌تواند سرنوشت جنگ غزه، جایگاه نتانیاهو و حتی توازن قدرت در اسرائیل را تغییر دهد.

آگهی مناقصه عمومی-نوبت اول

" قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء - مؤسسه شهید رجایی "
در نظر دارد عملیات اجرایی مغاری ماشینی شمع در پروژه تقاطع غیر همسطح فرودگاه - پروژه تقاطع‌های غیر همسطح کلانشهر اراک را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای توانمندی و صلاحیت لازم و نیز سابقه فعالیت مرتبط در این خصوص می‌باشند، دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: اراک، میدان امام خمینی(ره)(سه راه خمین)، کمربندی شمالی(بلوار امام علی (ع))، روبروی پمپ بنزین اناری، انتهای خیابان جهاد نصر مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۴۱۳۵۲۳۵ - ۰۸۶ و ۰۹۱۸۹۶۶۶۸۰۸ تماس حاصل نمایند.
مهلت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ هر روز به غیر از روزهای تعطیل از ساعت ۷ تا ۱۴ می‌باشد.
۱ -مبلغ تضمین شرکت در مناقصه عملیات اجرایی خاکبرداری و نخاله برداری پروژه تقاطع غیرهمسطح فراهان ۱.۹۳۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می‌باشد.
پیمانکاران می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی نامه ارائه نمایند.
در ضمن هزینه چاپ هر دو نوبت آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

اطلاعیه

مجمع عمومی سالانه هیئت امنا شهرک ویلایی گلستانها (شهرستان ملارد)
مجمع فوق روز جمعه مورخ ۱۴۰۴/۴/۲۰ ساعت ۱۱ الی ۱۳ در گلستان چهارم تالار افق طلایی

دستور جلسه :
۱.انتخابات هیئت امنا برای بار دوم
۲.گزارش بیلان مالی تایید اسناد مالی
۳.تعین تکلیف احداث چاه به فوریت و صورت مجلس هزینه ها

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب رضا واعظ زاده اسدی** فرزند عبدالعلی به شماره شناسنامه ۸۵۴ صادره از آبادان در مقطع دکترای عمومی رشته داروسازی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی ازاد اسلامی تهران با شماره ۱۵۸۰۲۲۵۰۰۰۲۵ مفقود گردیده است وفاقد اعتبار میباشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم پزشکی دانشکده داروسازی به نشانی خیابان شریعتی بالاتر از دوراهی قلهک ابتدای خیابان یخچال ارسال نماید.

برگ سبز و برگه کمپانی **خودروسواری پژوروآسال** به رنگ نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۸۹ و شماره پلاک ۲۵ ه ۷۸۹ ایران ۳۸ و شماره موتور ۱۱۸۸۹۰۳۱۵۷۴ و شماره شاسی NAAB41PM9BH296405 به نام **خانم الهام ابراهیمی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گفت‌وگوی «شرق» با علیرضا مجیدی درباره نظم نوین منطقه‌ای پس از جنگ اخیر ایران و اسرائیل

خاورمیانه در پیچ تاریخی

مهسا مژدهی: جنگ ۱۲روزه تحمیلی، خاورمیانه را وارد بعد تازه‌ای کرده است. تا پیش از این کشورهایی مانند عربستان و قطر و امارات تصور می‌کردند که با توجه به نفوذ خود در کاخ سفید از یک سو و کانال‌های ارتباطی با تل‌آویو از سوی دیگر می‌توانند مقابل هرگونه تنش بیش از اندازه را بگیرند. با این حال چنین اتفاقی نیفتاد و در وضعیتی که اسرائیل درگیر جنگ در غزه و بمباران جنوب سوریه و لبنان بود، تصمیم به بمباران ایران گرفت و در ازای اقداماتش پاسخ دریافت کرد. آتش‌بس پس از کمتر از دو هفته و ورود به وضعیتی نه‌چندان مشخص، کشورهای خاورمیانه که برخی از آنها رؤیای پیشرفت چشمگیر اقتصادی را در سر داشتند و از ثبات تمام و کمال در غرب آسیا استقبال می‌کردند، در وضعیت بحرانی قرار داد. از سوی دیگر در اسرائیل رؤیای ایجاد خاورمیانه جدید، با توجه به روند اتفاقات بار دیگر قدرت گرفته است. تل‌آویو مُصر است تا پیمان ابراهیم را که پس از هفت اکتبر سال ۲۰۲۳ به حالت تعویق درآمده بود، پیگیری کرده و با کشورهای عربی به توافقی دست پیدا کرده و جای پای خود را در خاورمیانه محکم کند. اما آیا رؤیاهای نتانیاهو عملی خواهند شد؟
در «شرق» با علیرضا مجیدی، کارشناس مسائل خاورمیانه و کشورهای عربی، درباره آینده منطقه پس از جنگ ۱۲روزه به گفت‌وگو نشستیم:

آیا درگیری میان ایران و اسرائیل توازن قوا را در خاورمیانه به هم خواهد زد و دراین‌صورت آینده خاورمیانه با توجه به توازن قوای جدید به چه شکلی درخواهد آمد؟

سیاست خارجی نتانیاهو بر پایه مجموعه‌ای از نظریه‌هاست. یکی از این نظریه‌های بنیادین که پایه سیاست خارجی نتانیاهو را تشکیل می‌دهد، این است که می‌گوید «صلح از قدرت به دست می‌آید». طبق این دیدگاه، زمانی که ما قدرتمندبودن خود را تثبیت کنیم، طرف‌های ثالث خودبه‌خود برای بهبود رابطه با ما صف کشیده و از مواضع خصمانه دست می‌کشند و برای بهبود رابطه با ما پیش‌قدم می‌شوند. استدلالی هم برای این نظریه دارد. اگر بخواهیم ریشه‌های این بحث را دنبال کنیم، به نظریه‌ای می‌رسیم که از سوی وزیر دفاع پیشین اسرائیل، موشه یعلون، مطرح شده است. البته در حوزه سیاست داخلی، یعلون با نتانیاهو اختلافاتی دارد، اما خاستگاه هر دو از یک حزب بوده و متعلق به جناح راست هستند و در این مسئله خاص (رابطه دیپلماسی و امنیت) نگرش مشابهی دارند.

یعلون این نظریه را در کتاب خود به تفصیل تشریح کرده است. او می‌گوید ابتدا باید قاطعیت و قدرت برتر خود را نشان دهیم و به نوعی به حالت «شبه‌هژمونی» برسیم. پس از آن، برای تثبیت این فضا و تکمیل هژمونی خود، باید هزینه زیادی بپردازیم. در چنین شرایطی طرف مقابل هم که مزه سرکوب و قدرت ماشین جنگی ما را چشیده، درک می‌کند که راه دیگری جز پذیرش «تفوق اسرائیل» ندارد. دقیقا از همین‌جاست که می‌توان به «صلح پایدار» رسید. در چنین شرایطی، هم ما (اسرائیل) از طریق دستیابی به توافق سیاسی، در هزینه‌های امنیتی صرفه‌جویی می‌کنیم و هم طرف مقابل به دلیل حفظ امکان ادامه زندگی، به صلح تن می‌دهد و شرایط برای صلح فراهم می‌شود.

این نظریه در سیاست داخلی اسرائیل، به‌ویژه در مواجهه با فلسطینی‌ها، از سوی چپ‌ها و حتی جناح میانه‌رو پذیرفته نمی‌شود. اما در سیاست خارجی، اتفاقا یک مورد اجماع بین همه جناح‌های دیگر صهیونیستی است. تنها چپ‌های رادیکال (مانند عوفر کاسیف) و اعراب ۴۸ هستند که با این نگاه همراهی ندارند. اگر از موارد استثنائی بگذریم، بقیه جناح‌ها بر این مسئله اجماع دارند که ما باید اول قاطعیتی نشان بدهیم و یک وضعیت شبه‌هژمونیک درست کنیم و بعد برای کاهش هزینه‌ها و فرصت‌هایی که می‌توانیم درست کنیم و هم برای طرف مقابل به خاطر بقا، امکان رسیدن به یک صلح را فراهم کنیم. اما در کوتاه‌مدت از طریق توافق و امید به ساختن یک وضعیت برد-برد با آنها نمی‌توان به توافق رسید.

یک بحثی که وجود دارد، این است که برخی معتقدند راه اسرائیل برای رسیدن به پیمان ابراهیم پس از اتفاقات اخیر، هموار شده است. آیا شاهد این هستیم که دست‌کم اسرائیل به پیوستن کشورهای عربی به پیمان ابراهیم امیدوارتر از گذشته شده باشد؟

این نظریه مرتبط با رسیدن به صلح از قدرت، همان چیزی است که نتانیاهو در دوران دولت خود دنبال می‌کرد. او در دولت اسبق خود بحث پیمان ابراهیم را مطرح کرد. در آن زمان هم زوج نتانیاهو و ترامپ در قدرت بودند. پیمان ابراهیم دقیقا بر همین مبنا شکل گرفت. پس از انتخابات ۲۰۲۲، که نتانیاهو در آن شکست خورد و نفتالی بنت دولت تشکیل داد، احزاب مختلفی برای تشکیل دولت تلاش کردند و رقابت شدیدی در جذب نیرو و تثبیت قدرت به وجود آمد. در آن فضا خیلی رقابت‌ها برای جلب مهره برای تشکیل قدرت وجود داشت و رقابت شدید داخلی وجود داشت و در چنین فضایی، دوباره این بحث بالا گرفت که اسرائیل در سیاست خارجی باید چه مسیری را طی کند؟ آیا صلح اساسا مطلوب است یا نه و اگر هست، از چه مسیری باید به آن رسید؟

نتانیاهو در آن فضا ادعا می‌کرد که الان قوی‌ترین دفتر خارجی حزب لیکود اسرائیل را در یکی از کشورهای عربی قرار داده است (هرچند نام کشور را نگفت) و گفت اگر مسیر صلح عربی را دنبال کنیم، این هنر من و کار من است و این اتفاقات را نتیجه «هنر سیاست خارجی» خود می‌دانست. اما به هر حال بنت تشکیل دولت داد و اسرائیل به سمت مسیر دیگری رفته و ترامپ کنار رفت و بایدن آمد و سیاست آمریکا هم عوض شد. بعد از آن در اسرائیل دوباره نتانیاهو سر کار آمد.

با بازگشت دوباره نتانیاهو به قدرت، امکان عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان خیلی بالا گرفت. تا جایی که بعدها بایدن گفت، اگر حمله هفتم اکتبر رخ نمی‌داد، تنها دو تا سه هفته با توافق نهایی و عادی‌سازی فاصله داشتیم. اما آن حمله همه معادلات را به هم زد و مسیر مذاکرات را متوقف کرد. طرف مقابل امیدوار است با حمله به ایران آن اتفاقی که هفتم اکتبر مانعش شده بود، دوباره بیفتد.

اکنون، تحلیل اسرائیلی‌ها این است که اگر بتوانند در این جنگ ایران را شکست دهند، چنین شکستی به دیگر کشورهای منطقه پیام روشنی خواهد داد؛ یعنی کشورهایی که توان نظامی، امنیتی یا انسجام اجتماعی کمتری نسبت به ایران دارند، درمی‌یابند که اگر مانند ایران با اسرائیل وارد تقابل شوند، هزینه‌های سنگینی خواهند پرداخت؛ بنابراین ترجیح می‌دهند راه صلح را در پیش بگیرند و به نوعی به وضعیت شبه‌هژمونی اسرائیل تن دهند.

درحال‌حاضر در شهرهایی مانند تل‌آویو بنرهایی با عنوان «خاورمیانه جدید» نصب شده که در آنها تصویر رئیس‌جمهور لبنان، رئیس دولت موقت سوریه و محمد بن‌سلمان در کنار دیگر کشورهایی که به پیمان ابراهیم پیوسته‌اند، دیده می‌شود. این نشان‌دهنده نگاه آینده‌نگر طرف اسرائیلی برای بازسازی نظم منطقه‌ای است.

از نگاه اسرائیل، جنگ فعلی هنوز تمام نشده و تنها یک آتش‌بس موقت برقرار شده است. آنها معتقدند اگر در ادامه بتوانند ایران را شکست دهند، منطقه به وضعیت قبل از هفتم اکتبر، یعنی حوالی یک اکتبر یا ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۳ باز خواهد گشت، با این تفاوت که این‌بار ایران به‌عنوان آینه عبرتی برای دیگران مطرح خواهد شد.

کشورهای منطقه اکنون در حال مقایسه خود با ایران هستند. آنها می‌گویند ما توانایی‌مان از نظر ژئوپلیتیک، نظامی، امنیتی و همبستگی اجتماعی از ایران کمتر است و اگر وارد جنگ شویم، وضعیت بدتری خواهیم داشت؛ بنابراین باید صلح کنیم و چون چنین منابع قدرت و توانمندی‌هایی ندارند، به این نتیجه رسیده‌اند که برای تأمین منافع خود، ناگزیر از توافق با اسرائیل هستند. این برداشت، یک تلقی جدی است که اسرائیلی‌ها در حال پیگیری آن هستند.

با توجه به شرایطی که بیان کردید، این سؤال مطرح است که آیا چنین نگاهی در میان کشورهای کلیدی منطقه، به‌ویژه عربستان و قطر نیز وجود دارد یا صرفا اسرائیل انتظار دارد چنین روندی از تحولات فعلی حاصل شود و از طرف کشورهای قدرتمندتر عربی اوضاع متفاوت است؟

روی این دو کشور مسئله کمی سخت‌تر است. قطر فرق دارد، فاصله دارد و نمی‌خواهد بازیگر درجه اول باشد و عجله‌ای هم برای این موضوع ندارد. البته اگر کل کشورهای عربی به سمت پیمان ابراهیم بروند، قطر هم قطعا به آنها خواهد پیوست. اکنون قطر مزیتی را برای خود قائل است که از طریق ارتباط با گروه‌های اسلام‌گرای سنّی ایجاد کرده و از همین رو، برای ورود به این فرایند عجله‌ای ندارد.

در مورد عربستان سعودی نیز باید گفت این کشور تا سپتامبر ۲۰۲۳ به توافق نهایی با اسرائیل رسیده بود و فقط برخی جزئیات باقی‌مانده بود تا پیمان ابراهیم امضا شود. عربستان در ازای این توافق، چهار امتیاز کلان از آمریکا درخواست کرده بود که درباره هر چهار مورد نیز موافقت واشنگتن را به دست آورده بود.

اما پس از وقوع رخدادهای هفتم اکتبر، مقامات ریاض موضع متفاوتی اتخاذ کردند. نه‌فقط مقامات رسمی، بلکه در حوزه رسانه‌ای -که معمولا بیانگر جهت‌گیری کلی دولت‌های خلیج فارس هستند- هم تغییراتی مشاهده شد. رسانه‌های عربستان در قبال جنگ اخیر موضعی نسبتا بی‌طرف اتخاذ کردند که این خود نشان‌دهنده ارزیابی دوباره آنها از شرایط است.

به طور کلی، مقامات عربستانی تمایل دارند با جریان‌هایی که تصور می‌کنند در پنج سال آینده رشد بیشتری خواهند داشت، رابطه‌ای بهتر برقرار کنند. یکی از دلایلی که باعث شد روند توافق با اسرائیل پس از هفتم اکتبر متوقف شود، همین تحلیل بود که کدام مسیر در حال رشد و فراگیری بیشتر است: مسیر ضداسرائیلی یا مسیر ادغام اسرائیل در منطقه؟

اگر منظور از ادغام، پیشرفت طرح‌هایی مانند پروژه IMEC باشد، بله، پس از جنگ ممکن است با جدیت بیشتری دنبال شود. اما اگر منظور، امضای رسمی پیمان ابراهیم باشد، این مسئله اکنون محل تردید است و احتمال عدم تحقق آن کم نیست. به‌ویژه که عربستان ممکن است برآورد کند اسرائیل پس از جنگ با چالش‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد.

نکته‌ای که باید در نظر گرفت این است که کشورهایی مانند سوریه و لبنان در حال حاضر بیشترین پتانسیل را برای پیوستن به مسیر «پیمان ابراهیم» دارند.

مسئله مهم دیگر برای اسرائیل، حل معضل ژئوپلیتیکی آن است؛ یعنی نداشتن عمق استراتژیک. برای جبران این ضعف، اسرائیل به دنبال پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای و شراکت‌های تجاری گسترده است. بنابراین، نباید نگاه ما فقط محدود به پیمان ابراهیم باشد.

با توجه به اشاره‌ای که به لبنان داشتید، مایلم بپرسم با توجه به درگیری‌های اخیر میان ایران و اسرائیل، وضعیت دو کشور یمن و لبنان در آینده به چه سمتی خواهد رفت؟

در مورد لبنان، پس از جنگ، فشارها بر حزب‌الله افزایش خواهد یافت. روند سه ماه اخیر به طور مشخص به نفع حزب‌الله بود، اما اکنون ورق برگشته و فشارهای داخلی و خارجی علیه این گروه به‌شدت رو به افزایش است. نماینده جدید آمریکا در امور خاورمیانه نیز به دنبال افزایش نفوذ سوریه در لبنان است.

تغییر وضعیت داخلی لبنان طی جنگ ۱۲روزه اخیر در مقایسه با سه ماه قبل را می‌توان در مواضع رهبران سیاسی لبنان نیز مشاهده کرد. به عنوان نمونه، چند ماه قبل زمانی که خانم اورتگاس به عنوان نماینده ویژه ترامپ به بیروت آمد، «ولید جنبلاط» موضع تندی علیه او اتخاذ کرد. اما همین شخص، در روزهای اخیر (بعد از جنگ ۱۲روزه اخیر) علیه سلاح حزب‌الله موضع‌گیری کرد. این نکته را می‌توان در مورد بسیاری از رهبران سیاسی لبنان مشاهده کرد.

در حال حاضر، احتمال زیادی وجود دارد که دولت لبنان وارد اقدامات اجرائی برای خلع سلاح حزب‌الله شود. با این حال، در درون لبنان، یک پرسش کلیدی وجود دارد: «اگر حزب‌الله خلع سلاح شود، آیا اسرائیل نیز از جنوب لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد؟». حتی تندترین مخالفان حزب‌الله نیز این مسئله را مطرح می‌کنند. طبعا زمانی اسرائیل جنوب لبنان را ترک می‌کند که نتانیاهو بتواند «پایان موفقیت‌آمیز عملیات در لبنان» را اعلام کرده و در جامعه صهیونیستی آرای بیشتری را کسب کند. فعلا نشانه‌های پررنگی برای این موضوع (اعلام پایان موفقیت‌آمیز عملیات در لبنان) را مشاهده نمی‌کنیم.

در مورد یمن، باید گفت وضعیت این کشور با دیگر نقاط منطقه تفاوت‌هایی دارد. عوامل قدرت در یمن کاملا درون‌زا هستند و به دلیل سال‌ها جنگ داخلی، انصارالله موفق شده طی چند مرحله، نیروهای خود را پالایش کند و قلمرو خود را به صورت یکپارچه در اختیار بگیرد. بنابراین یمن در حال حاضر ثبات نسبی و قدرت متمرکزی درون خود دارد.

یکی از نکات مهم در این مقطع، واکنش کشورهای عربی به درگیری میان ایران و اسرائیل بود. پرسش اصلی این است که این نوع واکنش‌ها -که اغلب شامل محکوم‌کردن اسرائیل بودند و تا حدودی لحن یکسانی داشتند- چه تأثیری بر روابط آینده ایران با کشورهای عربی خواهد گذاشت؟

یکی از دلایلی که ایران در واکنش نظامی اخیر خود صرفا بر اسرائیل تمرکز کرد و حاضر نشد جغرافیای نبرد را گسترش دهد یا مستقیما منافع ایالات متحده را هدف بگیرد، همین امیدواری به نقش‌آفرینی مثبت کشورهای عربی بود. ایران در این دوره، تأکید می‌کند که «امیدوار» است، نه اینکه به طور قطعی روی این مسئله حساب باز کرده باشد.

در واقع، تحلیل سیاست‌گذاران ایرانی این است که کشورهای عربی به طور کلی از اقدامات و تصمیمات بنیامین نتانیاهو بیم دارند. این موضوع تا حد زیادی با واقعیت منطبق است. ایران امیدوار است که این ترس مشترک باعث شود کشورهای عربی به ایالات متحده فشار وارد کنند تا از تشدید تنش جلوگیری کرده و در نهایت ایران از بحران خارج شود.

اگر این سناریو محقق شود، بی‌تردید روابط ایران با کشورهای عربی -به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس- وارد مرحله جدیدی خواهد شد. در چنین صورتی، ایران یک بازنگری جدی در سیاست منطقه‌ای خود انجام خواهد داد و تقویت همگرایی با کشورهای عربی به اولویت راهبردی آن تبدیل می‌شود. ظرفیت چنین تغییری در سیاست خارجی ایران وجود دارد، اما هنوز نشانه‌های کافی -به معنای نقش مؤثر کشورهای عربی برای تصمیم‌سازی در سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن و دورکردن تنش از حوزه خلیج فارس- برای تحقق این سناریو مشاهده نشده است.

آیا واقعا بنیامین نتانیاهو به دنبال ایجاد «خاورمیانه‌ای جدید» است و این پروژه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا چنین سناریویی در شرایط کنونی قابل تحقق است؟

در ذهن نتانیاهو، یک طرح بزرگ وجود دارد: او تصور می‌کند که اگر بتواند ایران را به‌شدت تضعیف کند، کشورهای عربی یکی پس از دیگری به پیمان ابراهیم خواهند پیوست. از نگاه او، تقریبا تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌جز کویت و قطر که ممکن است اندکی تأخیر داشته باشند، به روند عادی‌سازی با اسرائیل خواهند پیوست. در غرب آسیا نیز، غیر از عراق، بقیه کشورها در این مسیر قرار خواهند گرفت. در گام بعدی، کشورهایی از شمال آفریقا و حتی کشورهای مسلمان جنوب شرق آسیا همچون اندونزی، مالزی و پاکستان نیز ممکن است به این روند ملحق شوند.

هدف نهایی این پروژه، شکل‌دهی به نظمی جدید در خاورمیانه است که اسرائیل در آن به عنوان یکی از بازیگران اصلی پذیرفته شود. از منظر برخی کارشناسان، تحقق این پروژه ممکن است، اما منوط به شرایط پیچیده سیاسی، امنیتی و اجتماعی منطقه و واکنش کشورهای عربی و اسلامی خواهد بود.

اکنون، تحلیل اسرائیلی‌ها این است که اگر بتوانند در این جنگ ایران را شکست دهند، چنین شکستی به دیگر کشورهای منطقه پیام روشنی خواهد داد؛ یعنی کشورهایی که توان نظامی، امنیتی یا انسجام اجتماعی کمتری نسبت به ایران دارند، درمی‌یابند که اگر مانند ایران با اسرائیل وارد تقابل شوند، هزینه‌های سنگینی خواهند پرداخت؛ بنابراین ترجیح می‌دهند راه صلح را در پیش بگیرند و به نوعی به وضعیت شبه‌هژمونی اسرائیل تن دهند.